

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با عرض سلام و خدا قوت خدمت استاد عزیزتر از جانم: استاد طاهرزاده. با حضور در بستر انقلاب اسلامی به این باور رسیدیم و مشاهده می‌کنیم که جهان ما، از جهان عرفا بزرگتر شده است. در اوج آن می‌شود اشاره کرد به دوران دفاع مقدس و حضور گسترده ده‌ها میلیون نفر در تشیع پیکر سردار دلها حاج قاسم سلیمانی. طریقت سالک برای طی کردن مراتب عبودیت روشن تر گردیده است لکن هنوز حجاب های بین عبد و معبود غلیظ است و نازک نشده است. آنچه که در محیط بشر، امروز به اوج خودش رسیده، نبرد بین جاهلیت مدرن مجهز به صلاح علم است با عقلانیت کارآمد انقلابی. این جاهلیت مدرن است که با این صلاح دانش و این ابزارهای رسانه ای و تبلیغاتی عظیم که در خدمت شهوت و غضب است به جنگ با تمدن اسلامی آمده است و این دو هرگز با هم آشتی نمی‌کنند. امروز پرچم تمدن نوین انقلاب اسلامی به دست ماست. و وظیفه ما است که در مقابل این گفتمان و نظام جاهلیت مدرن که در مقابل ماست با صلاح عقلانیت، وحدت و ایمان ایستادگی کنیم، برای رسیدن به آن هدف متعالی و تربیت انسان قدسی. خیلی از دوستان و عزیزان طلبه و دانشجو گله کرده اند که چرا استاد، در کنار محوریت هدف خود و برای تبیین آرمان ها، در کنار نشر، تبیین، سخنرانی و تفسیر(المیزان - حافظ و مولانا) در میدان عمل دور از قشر جوان اند و در یک کار تشکیلاتی تراز انقلاب از ما استفاده نمی‌کنند و قوت کار خود را در رسالت کار خود بیشتر نمی‌کنند؟! آیا در مقابل نظام غرب و آرمانهای غربی امروز نیازمند به تشکیلات قوی متناسب با زمانه خود نیستیم؟ منتظریم یکی از بیرون بیاید و ما را در کنار هم قرار دهد و در مسیر قوت تمدن نوین اسلامی بیندازد؟ و یا منتظریم آن عده ای از مدیران و مسئولان ناکارآمد غرب زده (چه در حوزه ها و دانشگاه ها و چه در ارگان های انقلابی) که فرو رفته در آرمانهای غربی هستند، منجی بشر باشند؟ پس اگر این جور نیستیم، چرا در میدان عمل، حاج قاسم ها دیده نمی‌شوند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بحمدالله متوجه نکات خوبی هستید و امیدوار باشید تا با حضور در تاریخی که با انقلاب اسلامی شروع شده است، حجاب‌های بین عبد و معبود، رقیق و رقیق‌تر شود. ۲. فکر می‌کنم اگر اجمال حضور تاریخی رفقا در انقلاب به مرور به تفصیل درآید هرکدام در هر جایی که هستند، حاج قاسمی خواهند بود با همان سیره و وسعتی که او داشت. وظیفه امثال بنده تذکر به رازگونگی حضور تاریخی ما می‌باشد که منجر به درک شخصیت نهفته‌ای است که در جوانان ما مستقر

است به همان معنایی که راه آن حضور، پیدا شود. آری! اگر پیدا شد «تو پای به راه در نه و هیچ
مپرس / خود راه بگویدت که چون باید کرد».

در مجموعه یادداشت‌هایی که با عنوان «حاج قاسم سلیمانی و معنای حضور تاریخی ما» در سایت
هست، سعی بر آن است که متوجه راهی شویم که حاج قاسم، نماد آن راه است. موفق باشید